

قضاوت از منظر نبی مکرم (صلی الله علیه و آله)

مهدی محمدیان امیری

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

◆ چکیده:

به مناسبت سال پیامبر اعظم (ص) در نظر گرفته شد تا پیرامون ابعاد شخصیتی و تعالیم آن بزرگوار توسط صاحبان قلم مقالاتی تهیه و ارائه گردد. آنچه به عنوان پرسش آغازین مطرح است، نحوه ی بیان احکام شرعیه توسط نبی مکرم می باشد. زیرا ایشان به عنوان اولین معلم در اسلام و وظیفه ای خطیر را دارا بودند. همچنین دانستن این مهم می تواند راهکاری مناسب برای ما باشد تا در بیان احکام و موارد مختلفی چون امر به معروف و نهی از منکر موفق باشیم. در این تحقیق موضوعاتی چون، شرایط جسمانی قاضی هنگام قضاوت، ادله اثبات و انکار دعوا، اهمیت کار قضا، وضعیت قضا در قیامت و غیره بحث شد. همچنین از منابعی مانند: الکافی، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل و غیره استفاده شد. از آنجا که لازم است تا خوانندگان با نمونه هایی از احادیث فقهی پیامبر اعظم (ص) آشنا شده و رویه ی حضرت را در تبیین و توضیح احکام شرعیه را بدانند سعی شد تا به گوشه هایی از احادیث اشاره شود تا ملال انگیز و خسته کننده نباشد.

پایان سخن اینکه این وجیزه ی حاضر نیز به قدر بضاعت مزجات نگارنده نگاشته شد که فرموده اند لا ینکلف الله نفساً الا وسعها.

کلمات کلیدی: قرآن، پیامبر اعظم (ص)، قضاوت، قاضی، انشاء حکم، دعوا، متخصصین

مقدمه:

پیامبر اکرم (ص) در دوران نبوت خود سعی فرمود، تا به تبیین احکام مختلف اسلامی بپردازد. زیرا خداوند امر رسالت را به ایشان محول فرمود و آن چرا که مایه‌ی هدایت بشر است در اختیار ایشان قرار داد. چنانکه خود در قرآن کریم اشاره نمود:

(۱) «ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.» (نحل/۸۹)

(۲) «ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، تا به آن چه خداوند به تو آموخته در میان مردم قضاوت کنی و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی.» (ساء/۱۰۵)

(۳) «ما این قرآن را بر تو نازل کردیم تا آن چه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی، شاید اندیشه کنند.» (نحل/۴۴)

(۴) «ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آن چه را در آن اختلاف دارند برای آنها روشن کنی و قرآن مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می آورند.» (نحل/۶۴)

احکام اسلامی طی دو منظر در اختیار بندگان خدا قرار گرفت:

(۱) احکام شرعی اصلی؛

(۲) احکام شرعی فرعی؛

پیامبر (ص) در باب احکام شرعی اصلی تنها به بیان کبریات مسائل پرداخته و به اشکالات و توهّمات موجود پاسخ می فرمودند. زیرا در این مسأله هر مسلمانی خود باید به اجتهاد پرداخته و به ایمان یقین برسد. باب تقلید در این گونه مسائل بسته بوده و از کسی پذیرفته نیست. اما در باره ی احکام شرعی فرعی وضع درست برعکس می باشد. در این جا باید راهنما و مرشدی باشد تا به پاسخ گویی به مشکلات و معضلات بپردازد. زیرا این بخش از احکام، تعبدی محض بوده و باید از عالمان احکام که در صدر همه ی آنها نبی مکرم اسلام است تقلید نمود. به همین خاطر پیامبر (ص) در زمان حیات خود هر آنچه مبتلی به مردم بود پاسخ فرمود و باقی احکام در عصر مشرعه توسط ائمه ی بزرگوار اسلام با توجه به رهنمودهای ایشان ارائه گردید.

از جمله مواردی که حضرت (ص) به بیان و تبیین و تشریح آنها پرداختند، مسأله ی قضا و تحاکم بین الناس بود. که در ذیل به طور مختصر به بعضی از نکات که ایشان بیان فرمود اشاره خواهد شد.

الف) قضا در لغت و اصطلاح:

قضا مصدر است از فعل ثلاثی مجرد، قضی، يقضی، قضاء.

از آنجا که واژه ی قضاء مشترک لفظی است به معانی زیر آمده است:

- ۱) ایتیان و به جا آوردن.
- ۲) ایتیان واجب فوت شده.
- ۳) حکم کردن میان مردم.
- ۴) پایان چیزی و جدا شدن از آن.

در اصطلاح: عبارت است از حکم کردن میان انسانها برای کسی که اهلیت آن را دارد.

(النصاری، القضاء و الشهادات، (۱۴۱۵ ق)، ۲۵)

حقوقیون در تعریف قضا گفته اند: قضا یعنی دادرسی و داوری کردن، صدور رأی در امور جزئی، خواه برای فصل خصومتها باشد یا در مصالح عامه باشد مانند امور حسبی. (جعفری لنگرودی،

(۱۳۸۲ ش)، ج ۴، ۲۹۲۷)

ب) قضا و آداب آن در قرآن:

در قرآن پیرامون قضا نیز بحث شده و آیاتی نیز در این باره وجود دارد. که در زیر به بعضی از

آنها اشاره می شود:

۱- یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع

الهی ... (ص/۲۶)

ای داود ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم، پس بین مردم به حق حکم کن و از هوای

نفس پیروی مکن.

۲- و ان احکم بینهم بما انزل الله و لا تتبع اهلوانهم و احذرهم ان یفتنوک

عن بعض ما انزل الله الیک. (مانده/۴۹)

در میان اهل کتاب طبق آنچه خداوند نازل کرده، داوری کن و از هوسهای آنان

پیروی مکن و از آنها برحذر باش، مبادا تو را از بعض احکام که خداوند بر تو نازل کرده

منحرف سازند.

۳- فلا و ربک لایؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لایجدوا فی

انفسهم حرجا مما قضیت و یسلموا تسلیمًا. (نساء/۶۵)

نه چنین است، قسم به خدای تو که اینان اهل ایمان نیستند، مگر اینکه در خصومت و نزاعشان تنها تو را حاکم کنند. آنگاه به هر حکمی که کنی اعتراضی در دل نداشته باشند و کاملاً تسلیم فرمان تو باشند.

۴- ... و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون ... و لیحکم اهل

الإنجیل بما انزل الله فیہ و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الفاسقون.

(مائده/۴۴ و ۴۷)

آنها که با احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرنند. ... و هر آینه برای مسیحیان با توجه به آنچه خداوند فرو فرستاده است حکم نما. کسی که با توجه به آنچه خداوند فرو فرستاده حکم نکند، فاسق است.

۵- انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اراک الله و لا تکن

للخائنین خصیمًا. (نساء/۱۰۵)

ما قرآن را به حق به سوی تو فرستادیم تا به آنچه خدا بر تو پدید آرد میان مردم حکم کنی و از کسانی مباش که از خائنان حمایت می کنند.

۶- سماعون للکذب اکالون للسحت فان جاؤوک فاحکم بینهم او اعرض و

ان تعرض عنهم فلن یضروک شیئا و ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط ان

الله یحب المقسطین. و کیف یحکموک و عندهم التوراة فیها حکم الله

ثم یتولون من بعد ذلک و ما اولئک بالمؤمنین (مائده/۴۲ و ۴۳)

آنها بسیار به سخنان تو گوش می دهند تا آن را تکذیب کنند؛ مال حرام فراوان می خورند، پس اگر نزد تو آمدند در میان آنان داوری کن یا آنها را به حال خود واگذار و اگر از آنان صرف نظر کنی به تو هیچ زیانی نمی رسانند؛ و اگر میان آنها داوری کنی با عدالت داوری کن خدا عادلان را دوست دارد. چگونه تو را به داوری می طلبند؟ در حالیکه تورات نزد ایشان است و در آن حکم خدا هست. پس از داوری خواستن از حکم تو روی می گردانند. آنها مؤمن نیستند.

۷- و داوود و سلیمان اذ یحکمان فی الحرث اذ نفثت فیہ غنم القوم و کنا

لحکمهم شاهدین ففهمناها سلیمان و کلا آتینا حکما و علما و سخونا مع

داوود الجبال یسبحن و الطیر و کنا فاعلین. (انبیاء/ ۷۸ و ۷۹)

داود و سلیمان را وقتی درباره ی گوسفندان بی شبان که مزرعه را تباه کردند، قضاوت نمودند و ما بر حکم آنها گواه بودیم و ما آن قضاوت را به سلیمان به وحی آموختیم و به هر یک مقام حکم فرمایی و دانش عطا کردیم، و کوهها و مرغان را برای داود مسخر ساختیم که همراه او تسیح می گفتند و ما این کار را انجام دادیم.

۸- و لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتأکلوا فریقا من

اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون. (بقره/ ۱۸۸)

اموال یکدیگر را به باطل در میان خود نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه آن را به قضاوت ندهید در حالیکه می دانید.

۹- ألم تر الی الذین یزعمون أنهم آمنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک

یریدون ان ینحاکموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به و یرید

الشیطان ان یظلمهم ضلالا بعیدا. (نساء/ ۶۰)

آیا نمی بینی از حال آنان که به گمان و دعوی خود به قرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده ایمان آوردند چگونه باز می خواهند طاغوت را حاکم خود گمارند در صورتی که مأمور بودند که به طاغوت کافر شوند، و شیطان می خواهد که آنان را گمراه کند گمراهی که از سعادت دور باشند.

۱۰- و اذا دعوا الی الله و رسوله لیحکم بینهم اذا فریق منهم معرضون. و ان

یکن لهم الحق یا توأ الیه مدعینین. (نور/ ۴۸ و ۴۹)

هرگاه به سوی خدا و رسول خوانده شوند تا رسول خدا میان آنها قضاوت کند گروهی از ایشان از حکم وی اعراض می کنند و اگر دعوی خود را بر حق می دانستند با کمال انقیاد سر بر حکم خدا فرود می آوردند. این آیات هر یک به بیان مسائلی از بحث قضا اشاره فرمودند، مثل:

۱- مشروعیت قضا و داوری میان انسانها.

۲- وجوب داوری به حق و مطابق با واقع با توجه به آنچه در آیین دادرسی اسلام

آمده است.

- ۳- حرمت پیروی از هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی.
 - ۴- حرمت پرداخت و گرفتن رشوه.
 - ۵- وجوب رعایت انصاف و برابری میان طرفین دعوا.
 - ۶- دعوت طرفین دعوا به تسلیم در برابر حکم قاضی، خواه پیروز محکمه باشند یا شکست خورده.
 - ۷- وجوب و لزوم مراجعه به نبی مکرم و حکام عادل هنگام طرح شکایت و دادخواست.
 - ۸- وجوب انشاء حکم با توجه به احکام الله، چه برای مسلمان و چه غیر مسلمان.
 - ۹- حرمت داوری بدون علم و یا آنچه شارع مقدس به منزله ی علم معرفی فرموده؛ مانند اماره، اسناد کتبی، اقرار، سوگند، بینه.
 - ۱۰- جواز انشاء حکم پس از حصول علم، توسط قاضی.
 - ۱۱- حرمت طرفداری از خائنین و ناقضان عدالت.
 - ۱۲- عدم جواز راهنمایی قاضی به هر یک از متخصصین بر دلیلی که باعث پیروزی او در دعوا می شود.
 - ۱۳- داوری برای اهل ذمه در احوال شخصیه براساس قوانین اسلامی ویا توسط قضات خودشان.
 - ۱۴- حرمت اکل مال به باطل و ظلم.
 - ۱۵- حرمت مراجعه به قضات جور در صورت وجود قاضی عادل.
 - ۱۶- لزوم رعایت قاعده ی البینه للمدعی و الیمین علی من انکر.
- در ادامه با توجه احکام مأخوذه از آیات کریمه ی بالا که به اندازه ی وسع نگارنده اخذ گردید، به بیان و بررسی روایاتی که پیامبر اعظم در این باره فرمودند اشاره می نمایم.

(ج) شرایط جسمانی قاضی هنگام قضاوت:

در بحث قضا، فقها یکی از مکروهات امر قضا را قضاوت هنگام دل مشغولی به مسائل دنیوی

و گرسنگی و گرفتاری و عصبانیت، مطرح کرده اند. همچنین از واجبات قضاوت رعایت همسانی در نگاه، تعارف، نوع سخن گفتن و محل نشستن بیان نمودند. (شهید اول، (۱۴۱۱ ق)، ۷۹) این دو فتوای آنها، ناظر بر این روایت از پیامبر اعظم (ص) است که فرمود:

إذا ابتلى أحدكم بالقضاء بين المسلمين فلا يقض و هو غضبان و ئسوّ بينهم في النظر و المجلس و الإشارة.

اگر یکی از شما به کار قضاوت میان مسلمانان شد، نباید در حالیکه عصبانی است قضاوت نماید. همچنین نباید میان طرفین دعوا در نگاه کردن و جای نشستن و اشاره تفاوت بگذارد. (نهج النصاحه، (۱۳۸۳ ش)، ۴۰۷)

من ابتلى بالقضاء بين المسلمين فليعدل بينهم في لحظه و اشارته و مجلسه.
هر که مبتلا به داوری میان مسلمانان شد باید میان آنها در نگاه، اشاره و جایگاه نشستنش عدالت را رعایت نماید. (نهج النصاحه، (۱۳۸۳ ش)، ۴۰۷)

من ابتلى بالقضاء بين المسلمين فلا يرفع صوته على أحد الخصمين الا يرفع على آخر.
هر که به قضاوت میان مسلمانان مبتلا شود، صدای خروش را بر یکی از مدعیان بلند نکند مگر اینکه بر دیگری نیز بلند کند. (نهج النصاحه، ۴۰۸ و ۴۰۹)

من ابتلى بالقضاء فلا يقض و هو غضبان.
هر کس به امر قضا مبتلا گردد، در آن حالیکه عصبانی است نباید قضاوت کند. (کلینی، ۱۳۸۸ ق)، ج ۷، ۴۱۳)

د) نهی از عدم رعایت عنصر قانونی جرم:

در حقوق اسلامی مطرح گردید که باید در قانون گذاری سه عنصر اصلی را رعایت نمود.

۱) عنصر قانونی بودن جرم.

۲) عنصر مادی جرم.

۳) عنصر معنوی جرم.

زیرا بدین ترتیب اشخاص در جامعه می توانند اعمال و رفتار خود را با توجه به این سه عنصر تنظیم کرده و از این محدوده به بهترین وجه استفاده نمایند. وقتی کسی بداند فلان عمل از لحاظ قانونی جرم محسوب شده و مرتکب آن را نیز به مجازات می رسانند، متوجه می شود که قانون گذار و ضابط شرعی هرگز راضی به ارتکاب به چنین عملی نیست. به همین جهت سعی می شود چنین رذیله ی اخلاقی در اعمال و رفتار مشاهده نشود.

در ماده ی دوم آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب جرائمی که جنبه ی الهی دارند، اشعار شده است:

کلیه جرایم دارای جنبه الهی است و به شرح ذیل تقسیم می گردد:

اول - جرایمی که مجازات آن در شرع معین شده مانند موارد حدود و تعزیرات شرعی .
دوم - جرایمی که تعدی به حقوق جامعه و یا مخل نظم همگانی می باشد .
سوم - جرایمی که تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی است .
تبصره ۱ - تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات ، مقرر گردیده و ترتیب آن به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی می باشد .

تبصره ۲ - جرمی که دارای دو جنبه باشد می تواند موجب دو ادعا شود :

الف - ادعای عمومی برای حفظ حدود الهی و حقوق و نظم عمومی .
ب - ادعای خصوصی برای مطالبه حق از قبیل قصاص و قذف یا ضرر و زیان اشخاص حقیقی یا حقوقی .

انما أهلك الدين من قبلکم انهم كانوا اذا سرق فيهم السرف تركوه و اذا سرق فيهم الضعیف أقاموا علیه الحد.

هلاک پیشینیان شما از آنجا بود که دزد معتبر رها می کردند و دزد ضعیف را مجازات می نمودند. (نهج الفصاحه، (۱۳۸۳) ش، ۴۰۷)

من تحاکم بین اثنین تحاکما إلیه فلم یقض بینهما بالحق فعلیه لعنة الله.

هر کس میان دو کس که داوری به او برند، داوری کند و به حق میانشان قضاوت نکند، لعنت خدا بر او باد. (نهج الفصاحه، (۱۳۸۳) ش، ۴۰۷ و ۴۰۸)

ذ) ادله اثبات و انکار دعوا:

در این عنوان ما دو واژه ی مختلف را مشاهده می کنیم، یکی ادله ی اثبات و دیگری ادله ی انکار. هرگاه طرفین دعوا در دادگاه حاضر گردیدند، آن کسیکه به عنوان شاکی، طرح دعوا نمود، باید بتواند صحت گفته های خود را به وسیله یک یا چند مورد از موارد زیر اثبات نماید. به این موارد، بینه گفته می شود.

- ۲) اسناد کتبی.
- ۳) معاینات و تحقیقات محلی.
- ۴) اقرار.
- ۵) قرعه.
- ۶) سوگند.

اما آن کسی که به عنوان متشاکی یا خوانده، محسوب می شود، باید در صورتیکه مدعی برای اثبات سخن خود بینه حاضر نمود، جهت رد اتهام از خود در این جا باید سوگند یاد نماید.

البینه علی من ادّعی و الیمین علی من ادّعی علیه.

آوردن بینه وظیفه ی کسیست که مدعی (خواهان) است و سوگند وظیفه ی کسیست که علیه ادعایی مطرح شده است. (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۷، ۴۱۵)

ر) اهمیت کار قضا:

اهمیت امر قضا بر کسی پوشیده نیست. زیرا هنگام اختلاف میان انسانها تنها مرجعی که از لحاظ شرعی و قانونی صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد، محاکم فضایی است. قضات در این محاکم به بررسی ادله و براهین طرفین دعوا نگرسته و صائب ترین نظر را برای خاتمه ی خصومت پیشنهاد می نمایند. این مهم آن قدر اهمیت دارد که امر قضا جزء مناصب خاندان عصمت و طهارت محسوب می شوند. (نجفی، ۱۳۶۲ ش، ج ۴۰، ۱۴)

إن القاضی العدل لیجاء به یوم القیامة فیلقی من شدة الحساب ما یتمنی أن لایکون قضی بین اثنین فی تمرة.

قاضی عادل را روز قیامت به پای میز حساب می کشند، او از سختی حساب چیزها می بیند که آرزو می کند میان دو کس درباره ی یک خرما قضاوت نکرده بود. (نهج الفصاحه، ۱۳۸۳ س، ۴۰۸)

لسان القاضی بین طریقین إما الی جنة و إما الی نار.

زبان قاضی میان دو راه است یا به سوی بهشت یا به سوی جهنم. (نهج الفصاحه، ۱۳۸۳ س، ۴۰۸)

لیأتین علی القاضی العادل یوم القیامة ساعة یتمنی أنه لم یقض بین اثنین فی تمرة قط.

روز قیامت بر قاضی عادل ساعتی بگذرد که در آن آرزو کند هرگز میان دو تن پیرامون

خرمایی داوری نکرده باشد. (نهج الفصاحه، ۱۳۸۳ س، ۴۰۹)

ما من قاض من قضاة المسلمين إلا و معه ملكان يسدانه إلى الحق ما لم يرد غيره فإن أراد غيره و جار متعمدا تبرأ منه الملكان و وكلاه إلى نفسه.

هر یک از قاضیان مسلمان دو فرشته ی گماشته دارد که او را مادامی که جز حق نخواهد بر آن استوار کند اگر غیر حق را اراده کند و به عمد منحرف شود فرشتگان از او بری شوند و کار وی را به خودش واگذارند. (نهج الفصاحه، (۱۳۸۳ س)، ۴۰۸)

من جعل قاضيا فقد ذبح بغير سكين.

هر که به داوری گماشته شود، گویی بدون کارد سرش را بریده اند. (نهج الفصاحه، (۱۳۸۳ س)،

(۴۰۸)

من جعل قاضيا فقد ذبح بغير سكين. فقیل یا رسول الله و ما الذبح؟ قال: نار جهنم.

هر که به داوری گماشته شود، گویی بدون کارد سرش را بریده اند. پس گفته شد: ای پیامبر

خدا (ص) منظور از سر بریدن چیست؟ فرمود: آتش جهنم. (نوری طبرسی، (۱۴۰۸ ق)، ج ۱۷، ۲۴۳)

ز) وضعیت قضات در قیامت:

هوشمندانه بودن قضاوت، طوری آن را پیچیده ساخت که پرداختن به آن مانند راه رفتن بر لبه ی تیز شمشیر است. هر چند این کار جزء واجبات کفایی است، اما ناگفته پیداست، باید در دست یازیدن به آن کمال مراقبت و حساسیت را نمود تا مشمول خشم خداوند نگردیده و بتواند به وظیفه ی شرعی و قانونی خود رسیدگی نماید. در این خصوص روایاتی بسیاری در کتب مختلفه ی روایی جمع آوری شده است که هر یک مشعر بر حساسیت بیش از اندازه در امر قضاوت است.

قاضیان فی النار و قاض فی الجنة؛ قاض عرف الحق فقصی به فهو فی الجنة و قاض عرف الحق فجار متعمدا أو قضی بغير علم فهما فی النار.

دو قاضی در جهنمند و یک قاضی در بهشت؛ آن قاضی که حق را بشناسد و با توجه به آن داوری کند در بهشت است و قاضی که حق را بشناسد ولی به عمد ظالمانه حکم کند و یا بدون علم حکم کند هر دوی آنها در آتش جایگاه دارند. (نهج الفصاحه، (۱۳۸۳ س)، ۴۰۹)

القضاة ثلاثة واحد فی الجنة و اثنان فی النار رجل جار متعمدا فذلک فی النار و رجل اخطاء فی القضاء فذلک فی النار و رجل عمل بالحق فذلک فی الجنة.

قاضیان سه دسته اند یک دسته از آنها در بهشتند. و دو گروه در جهنم. مردی که از روی عمد ستم می نماید پس جای او در جهنم است. و مردی که از روی خطا در قضاوت خود ظلم کند

جایگاه او نیز در جهنم است. و مردی که به حق قضاوت نماید جایگاه او در بهشت است. (نوری طبرسی، (۱۴۰۸ ق)، ج ۱۷، ۲۴۵)

س) امداد الهی و امر قضاء:

در تمام امور انسان چاره ای ندارد جز آنکه هنگام عملکرد به مرجعی مراجعه کرده و اطلاعات مورد نیاز را اخذ می نماید. قضاوت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مطابق آن عمل می کند. لذا قاضی در هنگام جمع آوری مطالب و انشاء حکم به تعالیم نازل از خداوند توجه کرده و از آن جهت انجام قضاوت کمک می گیرد.

إن الله تعالى مع القاضي ما لم يحف عمدا.

خداوند تا همگامی که قاضی از روی عمد ستم نکند با اوست. (نهج الفصاحه، (۱۳۸۳ س)، ۴۰۷)

الله مع القاضي ما لم يجز فإذا جار تخلى الله عنه و لزمه الشيطان.

خداوند یار قاضی است تا موقعی که ستم نکند وقتی ستم کرد خدا او را رها می کند و شیطان

قرین او می شود. (نهج الفصاحه، (۱۳۸۳ س)، ۴۰۸)

ش) قضاوت ظالمانه و نهی از آن:

از بدترین حالات قضاوت آنجاست که قاضی در انشاء حکم رعایت انصاف را نکرده و ظالمانه ترین حکم را برای آن پرونده انشاء نماید. شرع مقدس نسبت به این وضعیت و مسائل پیرامون آن عکس العمل نشان داده و سخت ترین کیفر را برای آنان در نظر گرفته است. در آیات متعددی خداوند به پیامبر خود دستور صادر کرده و راههای مناسب برای بهترین داوری و احقاق حق را معرفی فرمود.

دکتر محمود آخوندی در مقاله ی حق بهرمنندی از محاکمه عادلانه خود نوشته است: (این مقاله

موجود در سایت: www.seraj.ir)

حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه به این معنا است که:

۱) هر شهروندی که مورد تعدی قرار گرفته، حق دارد آزادانه در یک دادگاه صالح

درخواست احقاق حق کند.

۲) هر شهروندی که در معرض اتهام قرار دارد باید بتواند در یک دادگاه بی طرف و مستقل از

خود دفاع نماید.

این حق، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیونهای جهانی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، قوانین اساسی و حتی قوانین عادی کشورها مورد تایید قرار گرفته است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بویژه در اصول ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۸ و ۳۹ به زیباترین و کاملترین شکل ممکن از این حق دفاع کرده است. قوانین عادی کشور نیز در این جهت گامهای مثبتی برداشته است. بنابراین، در این مورد با خلاء قانونگذاری خاصی مواجه نیستیم. چیزی که هست در برخی موارد، شهروندان در راه رسیدن به این حق با موانعی برخورد می کنند.

من حکم فی درهمین بحکم جور ثم جبر علیه کان من اهل هذه الآية «و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون»

کسی که درباره ی دو درهم، ضالمانه انشاء حکم کند، و نسبت بدان زور روا دارد، مشمول این آیه ی قرآن خواهد بود: «کسانیکه با توجه به آنچه خداوند نازل فرمود حکم نکنند، از کافران خواهند بود» (کلینی، (۱۳۸۸ ق)، ج ۷، ۴۰۸)

یُعذب الله اللسان بعذاب لا یعذب به شیئا من الجوارح فیقول آی رب عذبتنی بعذاب لم تعذب به شیئا فیقال له خرجت منك كلمة فبلغت مشارق الأرض و مغاریها فسفک بها الدم الحرام و انتهب بها المال الحرام و انتهک بها الفرج الحرام و عزتی لأعذبک بعذاب لأعذب به شیئا من جوارحک.

خداوند زبان را به عذابی که عذاب نکرده است هیچ یک از اعضاء بدن را، عذاب می کند. پس زبان به خداوند عرضه می دارد: پروردگارا مرا عذاب می کنی به عذابی که چیزی را بدان عذاب نفرموده ای؛ به او گفته می شود: سخنانی از تو بیرون می آید و به خاور و باختر گیتی می رسد که به واسطه ی آن خونهای محترمی ریخته می شود و مالهای محترم به یغما برده می شود و آبروهای محترمی ریخته می شود و به عزتم سوگند تو را به عذابی عذاب می کنم که با آن هیچ یک از اعضاء را عذاب نکرده ام. (عاملی، (۱۴۱۴ ق)، ج ۲۷، ۲۲)

و من (حکم بما لم یحکم به) الله کان کمن شهد بشهادة زور و یقذف به فی النار بعذاب شاهد الزور.

کسی که به آنچه خداوند حکم کرده حکم نماید مانند کسی است که شهادت زور می دهد و چنین کسی در آتش جهنم با عذاب شاهد زور تنبیه می شود. (عاملی، (۱۴۱۴ ق)، ج ۲۷، ۲۳)

من حکم فی قيمة عشرة دراهم فأخطأ حکم الله جاء يوم القيامة مغلولة یدیه و من الفتی بغير علم لعنته ملائكة السماء و ملائكة الأرض.

کسی که درباره ی قیمت ده درهم در حکم خداوند اشتباه کند، روز قیامت با دستانی فلج شده حاضر می شود؛ و کسی که بدون علم فتوا دهد، هر آینه فرشتگان آسمان و زمین او را لعنت می نمایند.

ش) زنان و امر قضاوت:

از محدود وظایف اجتماعی که زنان از آن محرومند قاضی بودن است. دلایل متعددی در این زمینه مطرح گردیده است. مثلا مطرح گردید چون زنان طبعا از پرداختن به کارهای خشن و ناراحت کننده دوری می گزینند، لذا خود به خود به دنبال چنین مسؤولیتهایی نمی روند.

یا علی، لیس علی المرأة تولی القضاء.

ای علی، بر زن روا نیست تا به قضاوت پردازد. (عاملی، (۱۴۱۴ق)، ج ۲۷، ۱۶)

فاخبرنی عن آدم خلق من حوا او خلقت حوا من آدم؟ قال: بل خلقت حوا من آدم. و لو أن آدم خلق من حوا لكان الطلاق بید النساء، و لم یکن بید الرجال، قال: من کله أو من بعضه؟ قال: بل من بعضه، و لو خلقت حوا من کله لجاز القضاء فی النساء کما یجوز فی الرجال.

(روای می گوید: نزد پیامبر رفتم و عرض کردم: به من درباره ی آدم بفرما او از حوا پدید آمد یا حوا از او؟ ایشان فرمود: البته که حوا از آدم خلق شد. که اگر چنین نبود هر آینه طلاق در دستان زنان بود و در دست مردان نبود. روای می گوید: پرسیدم: آیا حوا از همه ی بدن آدم خلق شد یا از مقداری از آن؟ حضرت فرمود: البته که از مقداری از او به وجود آمد. اگر حوا از همه ی بدن آدم خلق می شد، هر آینه باید قضاوت کردن در زنان جایز می بود، همان گونه که در مردان جایز است. (نوری طبرسی، (۱۴۰۸ق)، ج ۱۷، ۲۴۱)

ص) جایگاه علم در قضاوت:

من عمل علی غیر علم کان ما یفسد اکثر مما یصلح.

کسی که بدون علم کاری کند، بیشتر از آنچه که درست نماید خراب می کند. (عاملی، (۱۴۱۴ق)،

ج ۲۷، ۲۵)

طلب العلم فریضة علی کل مسلم ألا إن الله یحب بغاؤه العلم.

کسب دانش بر هر مسلمانی واجب است، هان که خداوند پیشتازان علم را دوست می دارد.

(عاملی، (۱۴۱۴ق)، ج ۲۷، ۲۶)

العالم بین الجهال کالهی بین الأموات ... فاطلبوا العلم فإنه السبب بینکم و بین الله عزوجل ...

دانشمند میان نادانان مانند شخص زنده است میان مردگان ... دانش را بیاموزید زیرا آن پل ارتباطی است میان شما و خداوند بلند مرتبه. (عاملی، ۱۴۱۴ ق)، ج ۲۷، ۲۸)

من افتی الناس بغير علم لعنته ملائكة السماء والأرض.
کسی که برای مردم بدن و دانش فتوا دهد، هر آینه فرشتگان زمین و آسمان به او لعنت می فرستند. (عاملی، ۱۴۱۴ ق)، ج ۲۷، ۲۹)

نتیجه گیری:

در شرایع آسمانی، آنچه از اهمیت بسیاری برخوردار است، حفظ آبرو، حیثیت، جان، مال و کانون خانواده است. امروزه مشاهده می کنیم هر چند فن آوری با سرعتی فزاینده به سوی پیش رفت در حال حرکت است، اما می بینیم معضلات اجتماعی، فقر فرهنگی، بی اعتمادی ها و غیره روز به روز این جامعه و ساکنان آن را تهدید می کند. آنچه در این دوران می تواند کارگشا باشد رهنمودهای رهبران دینی است که بهترین راهکارها را در اختیار انسانها قرار داده اند. متأسفانه در طی دوره های اخیر ملاحظه می شود، هر چه به پیشرفتها افزوده می شود، بر جهالت فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و مذهبی افزوده می گردد. رشوه گیری، اختلاس، فریبکاری، دزدی و غیره به عنوان یک عرف در آمده و اگر انجام نشود گویی چیزی فراموش شده و باید به نحوی آن را به انجام رساند.

اما وقتی به کلام گوهر بار رهبران دینی به خصوص رسول اعظم (ص) مراجعه می کنیم، می بینیم آن بزرگواران چه واضح و روشن مسائل را مطرح کرده و خطرات را گوشزد می نمایند. اگر ما حد اقل هر ده روز خود را ملزم سازیم یکی از دستورات آن بزرگان را سرلوحه ی کار خود قرار دهیم خواهیم دید که چگونه از چنگال ابلیس و ابلیس صفتان رهایی خواهیم یافت.

فهرست منابع:

۱- قرآن کریم.

۲- آیین دادرسی کیفری موجود در سایت: www.iranbar.org

- ۳- آخوندی، محمود، حق بهرمندی از محاکم عادلانه، موجود در سایت www.sersj.ir
- ۴- انصاری، شیخ مرتضی، القضاء و الشهادات، (۱۴۱۵ ق)، قم، باقری، ۳۲۹ صفحه.
- ۵- العاملی، محمد بن حسن، تفصیل الوسائل الشیعه، (۱۴۱۴ ق)، قم آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۷۶ صفحه.
- ۶- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، (۱۳۸۸ ق)، قم، دارالکتب الإسلامیة، ۴۴۳۲ صفحه.
- ۷- نورى الطبرسى، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، (۱۴۰۸ ق)، قم، آل البيت لإحياء التراث، ۸۱۲۶ صفحه.
- ۸- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، تحقیق شیخ عباس قوچانی، (۱۳۷۶ ش)، قم، دارالکتب الإسلامیة، ۴۲۱ صفحه.
- ۹- نهج الفصاحة، گردآورنده ابوالقاسم پاینده، (۱۳۸۳ ش)، قم، مرکز انتشارات پرهیزکار، ۳۵۰ صفحه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی